فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره سی و یکم. بهار ۱۳۹۸، صص۸۳-۷۱ Vol 3. No 31. 2019, p 71-83
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

عوامل جرم پرور و تحلیل جامعه جرم خیز با نگاهی به بزهکاری و مسئولیت کیفری آنها در قبال بزه دیدگان

آرش آریا فرد
کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، چالوس، ایران
arasharyafard@yahoo.com

چکیده
بدیهی است با ظهور جنبش بزه‌دیده شناسی، خدمات‌رسانی به بزه‌دیده وحمایت از او در رأس برنامه‌های متصدیان عدالت کیفری قرارمی‌گیردو پیشگیری از جرم و مباحث مطروحه در آن از دیدگاه جرم‌شناسی، مبتنی برتدابیری است که به موجب آن‌ها بتوان از وقوع جرم در آینده‌جلوگیری کرد، در حالیکه علم پیشگیری از جرم همیشه از جمله مباحث بسیار مهم و رایجی بوده که هیگاه مورد بی‌اعتنایی و فراموشی جرم شناسان، جامعه شناسان، روانشناسان و به طور کلی علم سیاست جنایی و جامعه شناسی جنایی قرار نخواهد گرفت. چرا که علم مجازات یا کیفرشناسی، بیشتر به درمان بزهکاران و پیشگیری از تکرار جرم می‌پردازد و در واقع سیاست جنایی تلاش می‌کند برحسب داده‌های فلسفی و علمی و طبق مقتضیات تاریخی به تدوین نظریه‌های کیفری و پیشگیرنده جرائم که در عمل مفید واقع گردد بپردازد و در عین حال هم علم است و هم هنر که در پرتو داده‌های جرم شناسی بهترین قواعد مثبت را بررسی می‌کند. با وجود این همه تدابیر و اقداماتی که به ذهن بشر برای تقابل و رویارویی باجرم خطور کرده و توفیق دستیابی به علم پیشگیری از جرم به هیچ وجهی رشد جرائم و انحرافات که همواره نسبت به میزان اقدامات پیشگیرانه که بیشتر از نوع مجازات بوده، را مورد انکار قرار داد. با این حال رویکرد سیاست جنایی مبتنی بر کاهش جرم از طریق پایش اجتماع در حوزه جرم و جرم پروری و مسائل جانبی آن و تاثیر آن بر بزه دیده شناسی بوده در این پژوهش به صورت تحلیلی- توصیفی مود بحث قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: جامعه جرم پرور، جرم، بزه دیدگی، جامعه جرم خیز، جرم شناسی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

تا چندی پیش، بزه‌دیدگان به‌عنوان رکن پنهان جرم، در فرآیند عدالت کیفری، هیچ‌گونه نقشی نداشتند. ولی با ظهور جنبش بزه‌دیده شناسی، خدمات‌رسانی به بزه‌دیده و حمایت از او در رأس برنامه‌های متصدیان عدالت کیفری قرار گرفت. از دیرباز در جوامع ابتدایی و قبل از تشکیل حکومت و قوای عمومی بزه‌دیده، خود اجرای عدالت و جبران خسارات وارده را عهده‌دار بود و به هر نحو ممکن در جهت تامین مقصود اقدام می‌نموده است، در این مرحله با همه کاستی‌هایی که در نحوه اجرای عدالت وجود داشت نقش بزه‌دیده بسیار مهم و موثر بوده لیکن بعد این نقش کم رنگ‌تر شده و بدوا رئیس قبیله و سپس در مراحل پیشرفته‌تر دولتها در قضایا دخالت می‌نموده‌اند. در گذشته، مجرم تقریباً به طور انحصاری تمامی توجه پژوهشگران در قلمرو جرم شناسی را به خود معطوف ساخته بود، به طوری که تلاش‌های فراوانی در جهت پی بردن به خصوصیت‌ها، ناهنجاری‌ها، اختلالات روانی، نواقص شخصیتی و عوامل روانی دیگر که بتواند رفتار مجرمانه را تبیین نماید، انجام می‌گرفت. از طرفی چون گروه‌های طرفدار قربانیان، آنها را افرادی بی‌گناه می‌دانستند، مخالف بررسی عملی نقشی بودند که قربانیان ممکن است در ایجاد جرائم داشته باشند. در هر حال، تلاش برای درک جرم بدون در نظر گرفتن تمام جنبه‌های آن از جمله ویژگیها و رفتار قربانی همچون تلاشی خواهد بود برای تکمیل پازلی که همه قطعات آن را در اختیار نداریم.

تکامل سریع جرم شناسی و قلمرو گسترده آن، افق تازه‌ای در تحقیقات جرم شناسی گشود به طوری که در دهه ۱۹۴۰، توجه دانشمندان به رابطه میان بزه دیده و بزهکار جلب می‌شود، هر چند پایه گذاران رشته جرم شناسی از حیاتی بودن آن آگاه بودند. هانس فون هنتیگ، بنیامین مندلسون و هانری هنبرگر جملگی بر اهمیت بررسی روابط میان مجرم و بزه دیده به منظور درک بهتر خاستگاه و آثار جرم تاکید کردند. از زمان انتشار نتایج این مطالعات پیشگام، دانشمندان زیادی بررسی‌های خود را بر این جنبه از مسئله جرم متمرکز کردند، به گونه‌ای که جرم شناسی بزه دیده شناسی که اساس آن بر مطالعه بزه دیدگان استوار است، جدیدترین شاخه از جرم شناسی نظری است که موضوع آن بررسی ویژگی‌ها و عملکرد بزه دیده، و روابط وی با مباشر عمل مجرمانه و نقش او در ارتکاب جرم می‌باشد. به عبارتی دیگر بزه دیده، به عنوان یکی از کنشگران اصلی یا فراموش شده جرم بتدریج وارد پژوهش‌ها و مطالعات جرم شناسان و حقوقدانان کیفری شد و شایسته همان توجهاتی تلقی گردید که از دیر باز در علوم جنایی، در ابعاد حقوقی و تجربی آن، برای بزهکار در نظر گرفته می‌شد و این رهیافت که بزه دیده می‌تواند در قبل، در طول و بعد از ارتکاب جرم نقش داشته باشد، به نوعی طرز تلقی سنتی برای مبارزه جامعه علیه جرم با تاکید بر مجازات برای مجرم را اصلاح نمود. (لازرز، ۷۶:۱۳۷۵)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

سیر تاریخی تحولات بزه دیده در حقوق کیفری و جرم شناسی

سیر تاریخی تحولات مباحث مربوط به بزه دیده در حقوق کیفری و جرم شناسی دو بعد کاملا متمایز دیده می‌شود. در یک بعد جنبه‌ای است که به نقش و تقصیر بزه دیده در ارتکاب جرم توجه می‌شود و در جنبه‌ی دیگر نقش حمایت از بزه دیده مورد توجه قرار می‌گیرد. این دیدگاه تحت عنوان بزه دیده شناسی حمایتی مشهور شده است. نقطه‌ی اوج این تحولات را باید در سال ۱۳۸۵ میلادی دانست که توجه مستقیم بر نیازها و منافع بزه دیدگان معطوف گردید(رحیمی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۴۰). در بزه دیده شناسی حمایتی، بزه دیده دیگر تسهیل کننده و سهیم در ارتکاب جرم نبوده و انسانی است که حقوق او در راستای ارتکاب جرم تضییع شده و شایسته‌ی برخورداری از حقوق و حمایت‌های ویژه در جهت جبران صدمات وارده به دلیل ارتکاب جرم می‌باشد. بدین سان، بزه دیده شناسی اقداماتی است که از منافع بزه دیده دفاع می‌کند و «هدف بزه دیده شناسی کاربردی ارائه خدمات کمک رسانی و امدادهایی است که قربانیان به آنها نیاز دارند و نیز فعالیت در جهت سرعت بخشیدن به روند تسهیل ترمیم آثار زیان بار روانی ناشی از بزه دیدگی می‌باشد» (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۶: ۷۳).

تعاریف مفاهیم

بزه

بزه یا جرم یکی از ارکان اصلی پدیده مجرمانه است که مورد مطالعه و بررسی در جرمشناسی می‌باشد. بزه یا جرم از نظر لغوی به معنای خطا و جور می‌باشد. (معین، ۱۷۰:۱۳۸۶)

جرم

از دیدگاه جرمشناسی، جرم به هر فعل یا ترک فعل زیان آور فردی یا گروهی اطلاق می‌شود که مخلّ نظم اجتماعی و مغایر با شوون انسانی باشد و لو اینکه قانون مجازات متعرض به آن نشده‌باشد. از منظر حقوق کیفری، جرم، فعل یا ترک فعلی است، که به موجب قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد. (کی نیا، ۱۸:۱۳۸۶)

بزهکار

در نظام کیفری کلاسیک و قدیم تنها به جرم و مجازات توجه می‌شد و عامل وقوع جرم یعنی مجرم تا حدّ زیادی مورد شناسائی قرار نمی‌گرفت از این رو در این نظام فاعل جرم، انسان یا حیوان بود فرقی نمی‌کرد و کودکان نیز همچون افراد بالغ مسئول و قابل مجازات بودند.

به علاوه تسری مسؤلیت جمعی ناشی از جرم به اقوام و بستگان تا حدّ زیادی تعقیب و مجازات بزهکار را به فراموشی می‌سپرد. امّا در حقوق جزای عصر ما، عامل وقوع جرم بر اثر پیشرفتهای جرم شناسی، مورد توجه قرار گرفته و هر کس در قبال جرمی که مرتکب می‌شود مسئول شناخته می‌شود و مجازات نیز جنبهٔ

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شخصی دارد در نتیجه، بزهکار کسی است که مرتکب جرم شده یا در تحقق آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم مداخله داشته است. و به عبارت دیگر مجرم کسی است که فعلی مغایر با اوامر و نواهی قانونگذار مرتکب شود. (ولیدی، ۲۷۵:۱۳۹۴)

سیاست جنایی

طبق تعریف «فون لیست»[1] سیاست جنایی رشته‌ای است که حسب داده‌های فلسفی و علمی و طبق مقتضیات تاریخی کوشش بود تا به تدوین نظریه‌های کیفری و پیشگیرنده جرائم که در عمل مفید واقع گردد بپردازد.

رابطه جرم شناسی و سیاست جنایی

نظرات سیاست جنایی را می‌توان چنین خلاصه کرد که با مطالعه دقیق بزهکار و بیکاری علل به وجود آمدن آنها روشن خواهد شد و نتیجه این خواهد بود که بدانیم هرکسی عکس العمل خاص خود را در قبال علل درونی و بیرونی بروز می‌دهد که این علل بسیار متغیرند و نمی توان تنها با مجازات به چاره بزهکاری پرداخت. به علاوه جامعه شناسی بزهکاری به نوبه خود در این مهم مؤثر است و مطالعه جامعه به ما خواهد آموخت که بزهکاری بر حسب محیط‌های اجتماعی و شغلی تغییر می‌کند، همچنانکه این پدیده در شهرها و روستاهای یک کشور متغیر است. (صلاحی، ۱۲۴:۱۳۸۹)

بنابراین سؤالی که مطرح می‌گردد این است که در چنین موقعیتی که از یک طرف علل فردی و از سوی دیگر علل اجتماعی در ایجاد بزهکاری مؤثرند می‌توان به اتکاء مجازات باقی بود؟ و آیا ضروری نیست که روش‌های دیگری نیز به وجود آید و پیشگیری از جرائم مورد توجه قرار گیرد؟ سیاست جنایی به دنبال تحقق این جایگزینی و معتقد به ایجاد مقررات پیشگیری کننده و تربیتی برای این منظور است.

این سیاست باید توسط دولت اعمال و اجرا گردد و دولت در کنار سیاست عمومی خود به سیاست جنایی نیز توجه کند بی‌آنکه این سیاست را تابع سیاست عمومی خود قرار دهد. زیرا جرم شناسی در حقیقت داده‌های علمی را در اختیار سیاست عمومی که‌دولت مجری آن است قرار می‌دهد. اما متأسفانه مسائل ظاهری جامعه که وسیله تبلیغاتی مؤثرتری برای دولتها هستند غالبا بیش از مسائل عمیق اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرند. (حکمت، ۷۹:۱۳۷۰)

رابطه جرم شناسی و علم پیشگیری از جرم

پیشگیری از جرم مبتنی بر تدابیری است که به موجب آنها بتوان از وقوع جرم آینده جلوگیری کرد، در حالی که علم مجازات با کیفرشناسی، بیشتر به درمان بزهکاران پیشگیری از تکرار جرم نظر دارد. این رشته

---

1. Von Lisat

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

باید از جرم شناسی تفکیک شود زیرا اولا واحد جنبه قضایی است و بیشتر در قوانین و آئین نامه‌های مختلف عنوان می‌شود و به علاوه تدابیر این رشته واجد جنبه علمی جرم شناسی نیستند، اما باید اشاره کرد که این رشته به جرم شناسی عملی و شاخه‌ای از آن که جرم شناسی پیشگیرنده است ارتباط دارد. (نوربها، ۱۲۳:۱۳۹۶)

تفکیک جرم شناسی و جامعه شناسی کیفری و عدالت کیفری

توسعه جامعه شناسی حقوق جزا و عدالت جزائی: سابقا جامعه شناسی حقوق جزا و عدالت جزایی بطور کامل نادیده گرفته می‌شد. به اعتقاد جرم شناسان جامعه شناسی حقوق جزا و عدالت جزائی یا جامعه شناسی جزایی[1] شاخه‌ای از جامعه شناسی حقوقی است که جنبه‌های مختلف واکنش اجتماعی علیه بزهکاری را مطالعه می‌کند البته نه تحت معیارهای حقوقی بلکه به عنوان اعمال اجتماعی که قابلیت آن را دارند تا از روش‌های جامعه شناسی بهره گیرند. (کایتن، ۲۴۱:۱۳۸۴)

جامعه شناسی جزائی مشتمل بر سه بخش عمده است: ۱. جامعه شناسی حقوق جزا در معنای خاص کلمه [2] حسب اصطلاح[3] که مبتنی بر مطالعه تجربی قوانین جزائی است.

۲. جامعه شناسی مجازات که مجازاتها را به عنوان اعمال اجتماعی می‌شناسد و در زمینه شرایط اجتماعی اعمال مجازاتها و توسعه آنها همچنان که اثراتی که آن‌ها برجامعه می‌گذارند مطالعه می‌کند.

۳. جامعه شناسی دعوی جزائی که به مطالعه این مسأله می‌پردازد که دستگاههای مختلف عدالت جزائی چگونه عمل می‌کنند (پلیس، دادسرا، قضات تحقیق، دادگاهها، همکاران عدالت قضایی چون وکلا و خبرگان. . .) و نتایج جامعه شناختی فعالیت آنها چیست. (دانش، ۴۹:۱۳۹۱)

تفکیک جرم شناسی و جامعه شناسی جنایی

مدت زیادی یک جریان فکری وجود داشت که جامعه شناسی واکنش اجتماعی علیه جرم را به عنوان شاخه‌ای از جرم شناسی تلقی می‌کرد. این نظریه توسط «ووئن» و «لئونه» حمایت شده است. اما امروز جامعه شناسان حقوق جزا مسائل دقیق تری را مطرح می‌کنند. آنها جرم شناسی را به جامعه شناسی جنایی (زیر عنوان جرم شناسی و اکنش اجتماعی)[4] شبیه می‌دانند و حتی مفهوم آن را به این حد محدود می‌کنند. این مفهوم که از ایالات متحده برخاسته تقریبا تمام کشورهای اروپائی را در بر گرفته است.

مع‌هذا به اعتقاد برخی از جرم شناسان اختلافات اساسی بین جرم شناسی و جامعه شناسی جنایی چه از جهت موضوع و چه از جهت روش وجود دارد. موضوع جرم شناسی تبیین عوامل و فرایندهای عمل

---

1. Sociologie penale
2. juristique criminelle
3. Levy - Bruhl
4. Criminologie de la reaction sociale

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مجرمانه است در حالی که جامعه شناسی جنایی جنبه‌های مختلف تجربی واکنش به این کنش (عمل) را مطالعه می‌کند. همچنانکه «کاربنیه»[1]، عنوان می‌کند: «جامعه شناسی حقوق جزا، که پدیده کیفر را مطالعه می‌کندو واکنش جامعه غیر بزهکار را به جرم بررسی می‌نماید، اساسا چیزی غیر از جامعه شناسی جنائی است که مطالعه مجرمیت و عبور مجرمین به عمل را مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد». در همین راستا پنائل نیز می‌نویسد: «جرم شناسی واکنش اجتماعی، جرم شناسی در معنای خاص است، این جرم شناسی علم جرم نیست، بلکه شاخه‌ای از جامعه شناسی قضائی است و نه چیز دیگر. . . »(آنسل، ۷۹:۱۳۷۵) صرفنظر از موضوع، جامعه شناسی جنایی از جرم شناسی به دلیل روش نیز تفاوت دارد. در حالی که جرم شناسی به دلیل طبیعت آن چند مبنایی است و روش‌های اساسی را از رشته‌های مختلفی که آن را تشکیل می‌دهند می‌گیرد (زیست شناسی جنایی، جامعه شناسی جنایی و. . .) تا به یک روش ترکیبی دست یابد، جامعه شناسی جنایی تک مبنایی است و روشهایش را تنها از جامعه شناسی می‌گیرد.

روابط جرم شناسی و جامعه شناسی جنایی

بین دو رشته مع‌هذا ارتباطی کاملا محدود وجود دارد. تحقیقات جامعه شناسی حقوق جزا و عدالت جزائی بسیار مفید برای جرم شناسان از جهت فهم برخی جنبه‌های عمل مجرمانه است. بدین ترتیب مفاهیمی چون انحراف ثانویهٔ [2]و منش جنایی [3]در مساله تکرار جرم اهمیت پیدا می‌کند. همچنین عدم کفایت و طرق نادرست عدالت جزائی که به وسیله جامعه شناسی جنایی روشن شده به ایجاد موقعیت‌های پیش مجرمانه و حتی تشکیل شخصیت برخی از مجرمین کمک می‌کنند؟ (پست، ۷۹:۱۳۷۳)

تقابل بین جرم شناسی عمل (مجرمانه)

چه علم جرم یا علم مجرم، جرم شناسی تا سالهای ۶۰ به عنوان رشته‌ای که هدف آن بیان فعل مجرمانه است تلقی می‌شد، همانطور که گریسپینی[4]در اولین کنگره بین المللی جرم شناسی (رم ۱۹۳۸) اعلام داشت:

«جرم شناسی به عنوان وظیفه‌ای خاص تحقیق این مسأله را داردکه چگونه برخی از اشخاص در اعمال خود تهدید جزائی را مدنظر قراردادند، این مسأله نباید موجب این توهم شود که جرم شناسی سنتی به مطالعه واکنشی بزهکاری علاقه‌ای ندارد، برعکس این جرم شناسی بر برخی جنبه‌های جرم واکنش تکیه می‌کند. »

در جرم شناسی واکنش اجتماعی اینطور مسئله را عنوان می‌کنند که قرار نیست که کنترل اجتماعی را ایجاب می‌کند بلکه این کنترل اجتماعی است که منجر می‌شود و انحراف خصیصه عمل انجام شده بواسطه یک شخص نه بیشتر تشکیل اجرای معیارها و ضمانت‌ها بوسیله دیگران است. برای این جرم شناسان مطالعه

1. Carbonier
2. deviance secondaire
3. criminelle
4. Grispigni

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

گذار به عمل چندان اهمیتی ندارد بلکه تحلیل جامعه شناختی از مکانیسم‌های واکنش اجتماعی، از استقرار قوانین جزائی اجرای ضمانت اجراهای جزائی، با توجه به عملکرد پلیس، دادسرا و محاکم مورد بیان می‌کنند که این انحراف است همچنان که واکنش‌های همین علم از ناحیه اطرافیان و رسانه‌ها نیز مورد توجه قرار می‌گیرد و همه اینها بدین منظور است که چگونه سیستم عدالت کیفری «خلق» مجرمیت می‌نماید. بدین سان جرم شناسی که به آن «واکنش اجتماعی» می‌گوئیم ایجاد شده است. (یولک، ۹۸:۱۳۷۲)

رویکرد اساسی جامعه جرم پرور و جرم خیز

اساساً اصلی ترین رکن در نظریه الگوی جرم خیزبودن، مفهوم مکان می‌باشد .نه تنها مکان‌ها از نظر منطقی مورد نیاز هستند، بلکه ویژگی‌های مکان‌ها نیز بر احتمال وقوع جرم موثراست و مسبب تشکیل جامعه جرم پرور می‌شود. تمام پدیده‌های اجتماعی متحمل بعدی فضایی هستند. مقولهٔ جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی نیز مسبوق به همین قاعده دارای بعدی فضایی و جغرافیایی است. آنچه روشن است بعضی مکان‌ها به دلیل ویژگی‌های کالبدی و محیطی و همچنین خصوصیات اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی ساکنین آن، امکان و فرصتی بیشتری برای وقوع جرم دارند. برعکس بعضی مکان‌ها مانع و بازدارنده فرصت‌های مجرمانه هستند. تفاوت در ساختار مکانی و خصوصیات رفتاری افراد در کنار عامل زمان موجب شکل گیری الگوهای فضایی، زمانی متفاوت جرایم در واحد مکان می‌گردد. مردم درفضاهای شهری با انواع تهدیدها مانند جرم، تروریسم، آلودگی هوا و آب، زلزله و سیل، تداخل حرکت وسایل نقلیه و پیاده‌ها روبه‌رو هستند کشورهای پیشرفته گرچه توانسته‌اند بسیاری از تهدیدهای طبیعی را کنترل کنند، ولی کنترل تهدیدهای انسانی در این کشورها رو به افزایش است (فرجاد، ۷۸:۱۳۹۳).

از دیربازعوامل محیطی و مکانی بروز جرم، سعی در از بین بردن این عوامل و یا کاهش تأثیر ات آن مهم ترین راهکار افزایش ایمنی و پیشگیری از وقوع ناهنجاری‌ها شناخته شده است، چرا که ناهنجاری‌های اجتماعی به هر نحو که از انسان سر بزند دارای بستر و ظرف مکانی و زمانی است که این رفتارها را از یکدیگر متمایز می‌سازد. بعضی مکان‌ها، فرصت و شرایط محیطی مناسبی برای بزهکاران جهت انجام اعمال مجرمانه آنها پدید می آورند و در مقابل، بعضی محیط‌ها مانع بروز ناهنجاری هستند. (صانعی، ۴۶:۱۳۵۶)

علل جرم خیز بودن جامعه

اصولاً مشکل امروز، تعدد عناوین جرم است و با اضافه کردن عناوین جرم‌ها باید چند برابر تعداد موجود، زندان ساخته شود، ده‌ها هزار مأمور دائما در خیابان گشت زده و متخلفان را دستگیر کنند و شهرها چهره

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

پلیسی به خود بگیرد. این توهم از آنجا ناشی می‌شود که به این نکته مهم توجه نشده است که مشکل جامعه ما بیش از انکه وقوع جرم باشد جرأت بر انجام جرم است؛ بیش از آنکه فساد اقتصادی یک معضل باشد جرأت بر انجام فساد اقتصادی یک معضل است (رضایی، ۱۳۹۵: ۳۸).

مروری بر صفحات حوادث نشان می‌دهد که تا پای قتل و غارت و تجاوز و سرقت مسلحانه و اسیدپاشی و کلاهبرداری‌های میلیاردی در میان نباشد اساسا در عرف ما حادثه ای رخ نداده و عنوان جرم صدق نمی‌کند. به همین جهت در جامعه کنونی ایران، بسیاری از موارد ارتکابی از سوی خاطیان که به صورت ذاتی جرم بوده، اما در حوزه عملیاتی چندان به چشم نیامده و موجب جری‌تر شده مرتکبین و استمرار آنها بر انجام جرم است که دستاورد آن، جامعه‌ای که جرم و مجرم پرورش می‌دهد. به عنوان مثال ناسزا و هتاکی به بانوان در ملأ عام، برای بسیاری از مرتکبین، امری بدیهی و روزمره قلمداد شده و هراسی از برخورد قانون ندارد. در صورتی که طبق نصوص قانون مجازات اسلامی این عمل شنیع، جرم انگاری شده، اما چون در پهنه اجرا، کاملاً منفعلانه عمل شده است، مجرمین توجهی به آن ندارند (مسعودفر، ۱۳۹۷: ۱۳).

ترس از جرم، بزه دیده شدن و بزهکاری

بایستی به یاد داشته باشیم که تأثیرات بزهکاری و ارتکاب اعمال مجرمانه از حد و اندازه محل و یا منطقه‌ای که در آنجا به وقوع پیوسته است فراتر می‌رود. ترس از جرم و بدگمانی نسبت به امنیت ساختار اجتماع را به هم ریخته و آرامش آن را به هم می‌زند، در نهایت باعث بوجود آمدن شرایطی می‌شود که خود آن شرایط باعث افزایش و گسترش جرایم می‌شود: جرایم زیاد باعث به وجود آمدن ترس و بیم بیشتر می‌شود و افزایش ترس و بیم به نوبه خود باعث به وجود آمدن جنایات بیشتر می‌شود. در نهایت، نتیجه‌ای که از این فرایند پیچیده حاصل می‌شود احساس عدم امنیت و ناامنی است. این احساس (ترس از جرم نیز می‌باشد) به کمک یک نظرسنجی و مطرح کردن سؤالاتی نظیر این که: «آیا خود شما شخصاً در محل سکونت خود احساس ناامنی می کنید؟ و یا «آیا از این که به تنهایی شب‌ها از خانه خارج شوید تردید دارید؟»(به نقل از شامبیانی، ۱۳۸۹: ۶۸) در اصل تجربه بزه دیده شدن بایستی فرد را ترسوتر بکند. در حالیکه با مطالعه‌ای که محققین در مورد روابط آماری موجود بین بزه دیده شدن و عدم امنیت انجام داده اند معلوم شده است که همیشه نیز اینگونه نبوده است. به طور کلی، ترس بزه دیدگان از جرم به اندازه افراد عادی است؛ نه کمتر و نه بیشتر. در تحقیقی که در سال ۱۹۷۲ در ایالات متحده آمریکا صورت گرفت معلوم شد که چهل و پنج درصد بزه دیدگان هنگامی که در محله خود شب‌ها به تنهایی به پیاده روی می‌روند، احساس امنیت نمی کنند. از سوی دیگر درصد مذکور در میان افراد عادی و چهل و شش درصد است. آیا این بدان معنی است که افراد عادی در خیابان، در مقایسه با تصاویر اسطوره‌ای که رسانه‌های گروهی نشان می‌دهند، به گونه‌ای دیگر واکنش نشان می‌دهند؟

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

با توجه به رابطه موجود بین جرمی که بزه دیده متحمل می‌شود و ترسی که از ارتکاب جرایم وجود دارد نتیجه این می‌شود که افراد مسن و زنان به نسبت مردان جوان کمتر بزه دیده شوند. در مقابل هنگامی که رابطه بین بزه دیده شدن و ترس از بزه دیده شدن را در میان گروه‌های متجانس که از نظر سن و جنسیت مشابه هستند، مورد مطالعه قرار می‌دهیم متوجه می‌شویم که رابطه موجود مثبت است: «اگر ما تفاوت‌هایی را که از نظر عاطفی بین زنان، مردان، سالخوردگان و جوانان وجود دارند، و بسیار هم مهم هستند، کنار بگذاریم، متوجه می‌شویم که با افزایش فشار و استرس ترس از تعدی، تجاوز و در کل بزه دیده شدن افزایش پیدا می‌کند» (به نقل از علومی، ۱۳۹۰: ۳۱)لذا بهترین شیوه ارزیابی تأثیر بزه دیده شدن بر روی احساس عدم امنیت انجام دادن تحقیقی است که در آن به عامل زمان توجه ویژه‌ای مبذول شود. بدین معنی ترسی که از بزه دیده شدن وجود دارد، قبل و سپس بعد از ارتکاب عمل مجرمانه و بزه دیده شدن فرد مورد ارزیابی قرار گیرد. این همان شیوه‌ای است که «سکوگان» در تحقیق خود استفاده کرده است: وی به این نکته پی برده بود که بزه دیده شدن‌هایی که در مدت زمان بین دو ارزیابی به وقوع پیوسته بودند باعث افزایش سریع احساس عدم امنیت شده بودند، به نحوی که افراد را وادار می‌کرد که دست به اقدامات احتیاطی بیشتر بزنند(سکوگان، ۱۹۹۲: ۴۱). لذا هرچه که میزان بزه دیده شدن افراد در این فاصله زمانی بیشتر باشد به همان میزان درصد ترس و بیم و دغدغه خاطر افراد افزایش پیدا خواهد کرد و امور احتیاطی را بیشتر رعایت کرده و بیشتر دست به اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه خواهند زد(نوربها، ۱۳۹۶: ۸۴).

بی نظمی، عدم امنیت و بزهکاری

منظور ما از بی نظمی مجموعه نامتجانس «جرایم و ایجاد خطر» است. ما از واژه مذکور به منظور اشاره به اوضاع نامطلوبی که در خیابان ها، پارک‌ها و دیگر اماکن عمومی وجود دارد استفاده می‌کنیم: دیوار نوشته‌ها، واندالیسم (تخریب عمدی آثار هنری و اموال عمومی)، پنجره‌های شکسته، ساختمان‌های نیمه ساخته، مستی در ملأعام، ولگردها و خیابان گردهایی که مزاحم عابرین می‌شوند، گدایانی که حالت تهاجمی داشته و بی شرم و بی حیا هستند، استعمال مواد مخدر در انظار عمومی، روسپیگری، پرتاب بسته‌های زباله از پنجره به خیابان، تجمعات پرسروصدا و غیره. همان گونه که «روشه» عنوان کرده است، بی‌نظمی منطقه‌ای را که در آنجا به وجود می‌آید را تحت الشعاع قرار داده و باعث آزار و اذیت ساکنین آن می‌شود و به عنوان تهدیدی برای خود محله، نظم عمومی، هویت شخصی و ارزش‌های حاکم خود را نشان می‌دهد. در حقیقت بی نظمی به نوعی نشان دهنده کاهش نظم عمومی است (پوند[1]، ۲۰۱۸: ۱۷).

در همین راستا، نظرسنجی گسترده‌ای که توسط «سگوگان» در چهل ناحیه جرم خیز چندین شهر آمریکایی صورت گرفته بود، نشان داد افراد زمانی که به پیاده‌روی یا گردش می‌روند، در وهله اول از مصرف کنندگان الکل در اماکن عمومی بیم دارند، سپس گروه‌های جوانان خیابانگرد که به عابرین بی احترامی

1. Pound

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

کرده و با الفاظ زشت و حرکات ناشایست به آنان توهین می‌کنند باعث ترس ایشان می‌شوند و در نهایت معتادین و مصرف کنندگان مواد مخدر که بر روی زمین، پارک‌ها و کوچه‌های تنگ و باریک پخش شده اند باعث نگرانی ایشان می‌شوند. این اَعمال و رفتار به ساکنین اینگونه محله‌ها این احساس را منتقل می‌کند که محله آنان توسط گروهی وحشی اِشغال شده است که با این مناطق نظیر سرزمین‌های تصرف شده و اِشغالی برخورد می‌کنند. هنگامی که در یک خیابان اغتشاش و بی‌نظمی افزایش پیدا می‌کند، باعث می‌شود توازن حساس و شکننده‌ای که در محله وجود داشت و به ساکنین اجازه می‌داد که با آسودگی و در آرامش به گردش بروند و بدون این که نگرانی خاصی داشته باشند و مجبور باشند پی در پی عوامل احتیاطی را رعایت کنند، با افراد غریبه معاشرت کنند، از بین بروند.

در نهایت این که، او ثابت کرد که وجود بی نظمی در یک منطقه باعث شهرت بد آن ناحیه شده و در نتیجه سبب می‌شود خانواده‌هایی که توانایی و امکان کافی دارند از آن منطقه نقل مکان کنند که خود این عامل باعث کاهش شدید قیمت مسکن می‌شود. [1]در مقاله‌ای معروف، ویلسون[2]و کیلنگ[3] تحت عنوان «پنجره‌های شکسته» این مطلب را مورد مطالعه قرار داده‌اند که چرا و چگونه بی نظمی و اغتشاش تبدیل به یک بزهکاری سنگین می‌شود(ویلسون و کیلینگ، ۱۹۸۲: ۱۰۸).

آنها موضوع مذکور و استدلال‌های مطرح شده را به دقت مورد مطالعه قرار داده اند و اینگونه نتیجه گیری کرده اند که بایستی توسط نیروی پلیس یک عملیات پاکسازی گسترده در اینگونه مناطق جرم خیز و مشکل آفرین به اجرا در بیاید. بنابراین، بدین شکل است که سقوط و فروپاشی مناطقی که با نظارت و حضور عوامل کنترل کننده محلی پابرجا بودند، صورت می‌گیرد و نشان می‌دهد که بین بی‌نظمی و ارتکاب جرایم رابطه نزدیکی وجود دارد.

تراکم بزه دیده شدن در این گونه محله ها، مراکز شهری و یا در چنین ایستگاه‌های مترویی با عنوان کردن این مطلب که ساکنین اینگونه مناطق منفعل، بی اراده و تأثیرپذیر بوده اند توجیه می‌شود؛ البته از سوی دیگر بایستی عنوان کرد که عوامل مذکور از ترس ناشی می‌شود. رابطه نزدیکی که بین بی‌نظمی، بزهکاری و تحقق جرایم وجود دارد، بسیار شگفت انگیز است. اینگونه به نظر می‌رسد که هرکدام شبیه دیگری هستند. یک پنجره شکسته باعث تحریک شکستن دیگر پنجره‌ها می‌شود و پنجره شکسته باعث به وجود آمدن دیوار نوشته ها، رنگ آمیزی و نظایر آن می‌شود، عاملی که خود باعث ارتکاب سرقت‌های متعدد از منازل می‌شود و در پی آن توزیع کنندگان و خرید و فروش کنندگان غیرقانونی مواد مخدر و گروه‌های بزهکاری مرتبط با آن می‌آیند. هرچیزی که برای محله ارزش داشته باشد برای ساکنین آن نیز ارزشمند است. همچنین مبرهن است که مجرمین سابقه دار به ندرت بزهکارانی حرفه‌ای هستند، آنان از سرقت‌های ساده دست به ارتکاب سرقت‌های پیچیده می‌زنند و از دعوا و زد و خورد به سمت خرید و فروش یا توزیع

1. skogan
2. James k. Wilson.
3. George. Kelling.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مواد مخدر می‌روند. این گرایش وتمایل به ارتکاب جرایم متعدد و گوناگون، یکی پس از دیگری این مجرمین را دور هم جمع می‌کند؛ که البته ایشان نیز به نوبه خود محله‌های را که از شهرت خوبی برخوردار نیستند زیر نظر دارند: مناطقی که در آنجا بی نظمی، سرقت، واندالیسم (تخریب عمدی اموال عمومی و آثار هنری) و خشونت در کنار هم وجود دارد، درست مثل این است که در این گونه مناطق ارتکاب جرایم کوچک باعث به وجود آمدن جرایم سنگین می‌شود و راه را برای ارتکاب آنان آماده می‌کند (به نقل از ظهیری، ۱۳۹۳: ۱۷۴).

نتیجه گیری

با توجه به مطالب بیان شده در این پژوهش، جرم یک پدیده‌ای است که در جوامع بشری در حال وقوع است وعوامل و شرایط خاصی (عوامی اقتصادی، اجتماعی، تربیتی، و. . .) در بروز آنها موثرند. اگر سیاستهای صحیح برای‌مقابله و پیشگیری از وقوع جرم مورد استفاده قرار نگیرد به امنیت جامعه که محور جوامع و زندگی بشری است لطمه وارد می‌کند. امروزه با وجود هزینه‌های بالایی برخورد با مجرمان و مجازات آنها چه هزینه‌های زندان، اعم از امکانات: نیروی انسانی مورد نیاز، مکان آن و. . . و چه هزینه‌های و تعقیب و مورد پیگرد قرار دادن مجرمان شاید چندین برابر هزینه‌ای باشد که برای پیشگیری از وقوع جرم می‌شود. و آنچه که بیشتر جالب توجه است اینکه حتی بعد از برخورد، با مجرمان و مجازات آنها با وجود هزینه‌های بسیار زیاد، غالب اوقات نه تنها نتیجه مطلوب بدست نمی آید بلکه به، دلیل اجرای نادرست مجازات و فضای جرم زای زندان نتیجه و این همه هزینه وارد کردن فرد متهم و یا مجرم در بین‌مجرمان سابقه دار و در نتیجه تعدد و تکرار جرم می‌گردد. در حالیکه اگر از همان اول از وقوع جرم پیشگیری می‌شد و این نتایج منفی را در پی نداشت. از اینرو دولت‌ها می‌بایست سعی بر ایجاد سیاست‌های پیشگیرانه در رابطه با جرائم نمایند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

ـ آنسل، مارک. (۱۳۷۵) دفاع اجتماعی. ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی. چاپ سوم. تهران: دانشگاه تهران:

ـ پست، ژان میشل. (۱۳۷۳) جامعه شناسی جنایت. ترجمه فریدون وحیدا. مشهد: آستان قدس رضوی.

ـ حکمت، سعید. (۱۳۷۰). روانپزشکی کیفری. تهران: گوتنبرگ.

ـ دانش، تاج زمان. (۱۳۹۱). حقوق زندان و حقوق زندانیان. تهران: دانشگاه تهران.

ـ رحیمی نژاد، اسماعیل. (۱۳۸۸). جرم‌شناسی. چاپ اول. تهران: فروزش.

ـ رضایی، هانیه. (۱۳۹۵). مجرمین در سایه امنیت. مقاله کارشناسی ارشد. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.

ـ شامبیانی، هوشنگ. (۱۳۸۹). بزهکاری اطفال و نوجوانان. چاپ نهم. تهران: پاژنگ.

ـ صانعی، پرویز (۱۳۵۶). روان شناسی جرم. تهران: دانشگاه ملی ایران.

ـ صلاحی، جاوید. (۱۳۸۹). کیفرشناسی. تهران: انتشارات آرش.

ـ ظهیری، محمدجواد. (۱۳۹۳). رابطه و پارادوکس هوش هیجانی و ارتکاب جرم. مقاله کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد تهران جنوب.

ـ علومی، کیارش. (۱۳۹۰). ماهیت شناسی بزه و نقش جامعه در بازتولید آن. فصلنامه جرم شناسی نوین. شماره ۱۹. سری سوم.

ـ فرجاد، کیارش. (۱۳۹۳). روان شناسی جنایی. تهران ویستار.

ـ کایتن، هندریکو ماریک، مالج، چرم. (۱۳۸۴). بزه دیدگان و عدالت. ترجمه امیر سماواتی پیروز. تهران: خلیلیان.

ـ کی‌نیا، مهدی. (۱۳۸۶). مبانی جرم شناسی. چاپ هشتم. جلد اول. تهران: دانشگاه تهران.

ـ لازرز، کریستین. (۱۳۷۵). سیاست جنایی. ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی. تهران: یلدا.

ـ مسعودفر، نادر. (۱۳۹۷). گونه شناسی جرایم ارتکابی در گستره اجتماعی از حیث کیفیت. پایان نامه کارشناسی ارشد. تفرش: دانشگاه آزاد اسلامی.

ـ معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی. چاپ نهم. تهران: سرایش.

ـ نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۶). مجازات‌های جامعه مدار در لایحه مجازات‌ها اجتماعی جایگزین زندان». مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، میزان.

ـ نوربها، رضا. (۱۳۹۶). «زمینهٔ جزای عمومی». چاپ بیست و سوم. تهران: گنج دانش.

ـ ولیدی، محمد صالح. (۱۳۹۴). بایسته‌های حقوق جزای عمومی. چاپ هفتم. تهران: خورشید.

ـ یولک، برنار. (۱۳۷۲) کیفرشناسی. ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی. تهران: یاس.

__ George l. Kellingjames q. Wilson. (1982). broken windows the police and neighborhood safety. Routledge

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

__ Pound, r. (2018). Criminal justice in america. Routledge.
__ Skogan, w. G. (1992). Disorder and decline: crime and the spiral of decay in american neighborhoods. Univ of california press.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]